

هویت جمعی خُرد و میانی (قومی _ قبیله‌ای، ملی) با اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان تاجیکستان، شهر دوشنبه)

(از صفحه ۵۹ تا ۱۸۳)

مالک ملک‌شاهی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۳۰

دکتر یارمحمد قاسمی**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۸

دکتر قربان گیابوو***

چکیده:

در این مقاله، رابطه بین هویت‌های جمعی میانی و خُرد (قومی _ قبیله‌ای و ملی) با اعتماد اجتماعی جوانان شهر دوشنبه مورد تبیین قرار گرفته و از تئوری ساختار- عاملیت گیدنز به‌عنوان نظریه‌ی غالب جهت بررسی رابطه‌ی مذکور استفاده شده است، روش تحقیق از نوع پیمایشی، ابزار آن پرسشنامه و جامعه آماری مورد مطالعه، کلیه جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله (دختر و پسر) شهر دوشنبه به تعداد ۱۸۹۰۴۱ نفر است که تعداد ۳۸۳ نفر از آن‌ها به‌عنوان نمونه آماری انتخاب و مطابق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده مورد سنجش قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که بین هویت جمعی (میانی و خُرد) و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و کم‌ترین میانگین هویت‌های جمعی مربوط به هویت قومی- قبیله‌ای با میانگین ۲,۹۴۲۹ است. همچنین ضریب تعیین مدل رگرسیونی ارائه شده ۵۹,۱ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد هویت‌های میانی و خُرد ۵۹,۱ درصد اعتماد اجتماعی جوانان را توضیح می‌دهد. این یافته‌ها نشان می‌دهد، هویت قومی- قبیله‌ای جوانان تاجیکستان پائین است و

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان، مدرس گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

Email: malek.ma87@gmail.com

** دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام Email: ym_ghasemi2004@yahoo.com

*** دانشیار گروه فلسفه اجتماعی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان Email: kgiyoev@mail.ru

..... هویت جمعی خرد و میانی

آسیب در سطح هویت جمعی خرد نسبت به دیگر سطوح برجسته‌تر است. این پژوهش می‌تواند مدلی برای مطالعه جامعه ایران نیز باشد.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، هویت جمعی، هویت قومی - هویت قبیله‌ای، هویت ملی.

مقدمه

هدف اصلی این مقاله بررسی رابطه بین هویت‌های جمعی قومی - قبیله‌ای و ملی با اعتماد اجتماعی جوانان شهر دوشنبه است، اعتماد^۱ به‌عنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده مفهوم سرمایه اجتماعی، از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی است، که در یکی دو دهه اخیر در عرصه علوم اجتماعی، گسترش زیادی داشته است. در بستر تعاملات و کنش‌های گروهی، اعتماد به‌عنوان یک مکانیسم اجتماعی با کارکردهای متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جامعه‌شناختی خود، نقش مهمی را ایفا می‌کند که شاید بتوان گفت، مهم‌ترین آن برقراری نظم اجتماعی و انسجام گروهی است. در نوشته‌های جامعه‌شناختی، مفهوم اعتماد اجتماعی به‌عنوان ویژگی افراد، ارتباطات اجتماعی، نظام اجتماعی، با تأکید بر رفتار مبتنی بر تعاملات و سوگیری‌ها در سطح فردی مفهوم سازی شده (۶ - ۴ : Misztal, Barbara A. ۱۹۹۹)، و دارای دو عنصر اعتماد کننده و اعتماد شونده است که میان آنان تعامل وجود دارد. در این تعامل اجتماعی، کنش‌گران منطقی هستند، هر دو طرف انتظار دارند که در پی روابط اجتماعی، از منافع آن بهره‌مند شوند و ضرر و زیان را به حداقل برسانند (زتومکا، ۱۳۸۷: ۱۱۱). اعتماد از ابتدائی‌ترین روابط هم‌چون روابط خانوادگی که رابطه مادر و فرزند و... را شامل می‌شود آغاز و تا ارتباطات گسترده فرهنگی - اجتماعی و سیاسی ادامه می‌یابد و به‌عنوان یک متغیر مهم و اساسی در اولویت قرار می‌گیرد که در سنین پائین اعتماد در سطح خانوادگی و بستگان و در سنین بالاتر در محیط اجتماعی جامعه مانند گروه‌های همسان و نهادهای جامعه گسترش می‌یابد (تونکیس، ۱۳۸۷: ۱۴). وجه دیگر این پژوهش، سنجش هویت جمعی جوانان است. هویت جمعی از عضویت‌های مشترک در گروه‌های اجتماعی ناشی می‌شود و تعلق خاطر فرد به گروه است. بنابراین هویت از حیث جمعی بودن شامل هویت قومی - قبیله‌ای، مذهبی، ملی و جهانی می‌شود.

هویت قومی؛ احساس دلبستگی به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع قومی است. در سطح نهادی نیز، نهادها و سازمان‌ها، کارگزاران و قدرت سیاست پنهان آن‌ها در رده‌بندی و هویت سازی افراد نقش دارد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۲۱۶). قومیت نیز از انواع هویت جمعی

۱ - trust

است که ممکن است حضور عمده‌ای در تجربه‌ی افراد داشته باشد، از این‌رو افراد ممکن است در کودکی و به‌طور قطع در حدود ده سالگی، چارچوب‌هایی برای طبقه‌بندی خودشان و دیگران از لحاظ قومیت و «نژاد» بیاموزند، بنابراین قومیت به شباهت و تفاوت «ما» و «آن‌ها»، متکی است. شناسایی قومی به شیوه‌ای خاص، سرنوشت فرد را به سرنوشت جمع گره می‌زند که ممکن است پیامدهای مهمی برای فرد در برداشته باشد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۱۰-۱۰۹). مسأله قومیت و گروه‌های قومی عموماً از زمان فروپاشی کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی سابق و پایان جنگ سرد و... با جدیت و گرمی موضوع بحث قرار گرفته است. هم‌اکنون نیز مسأله تنوعات قومی و گروهی در بسیاری از کشورهای جهان وجود دارد و این امر پدیده‌ای مهم محسوب می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فقط در ۱۴ کشور جهان اقلیت قابل توجهی وجود ندارد و تنها ۴ درصد مردم دنیا در کشورهای زندگی می‌کنند که دارای یک گروه قومی هستند" (میرزایی، ۱۳۸۸: ۱۳۸). با مطالعه منابع موجود در تاجیکستان متأسفانه قدمت بررسی این مفهوم چندان زیاد نیست و مطالعات تجربی در این باره (هویت‌های خرد- میانی و اعتماد اجتماعی) خصوصاً در بین جوانان صورت نگرفته است، و حتی مآخذشناسی تحقیق نیز در این حوزه از غنای لازم برخوردار نیست. فقدان پژوهش در این زمینه در جامعه‌ی در حال رشد تاجیکستان با توجه به اهمیتی که اعتماد و هویت در بین جوانان دارد ضرورت مطالعه‌ی تجربی این موضوع را روشن می‌سازد. بنابراین هویت جمعی لازمه‌ی اعتماد اجتماعی است و هرگونه تأخیر یا انحراف در شکل‌گیری هویت جمعی می‌تواند منجر به پراکندگی یا بحران در اعتماد اجتماعی در رابطه با جوانان شود که این مسأله بسیاری از نابهنجاری‌های فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. بر این اساس جامعه‌ی تاجیکستان که از تاریخ و تمدن دیرپا و فرهنگ غنی برخوردار است و جوانان به‌عنوان بدنه‌ی فعال، پویا و پراکنگیزه‌ی ملت، بهترین منابع انسانی در زیست جمعی محسوب شده، سهم مؤثری در تضمین حیات فرهنگی و ملی جامعه دارند. تحقق هویت جمعی خرد و میانی در بین جوانان، نه تنها سبب افزایش درجه‌ی امید به آینده و اعتماد آنان به نهادهای اجتماعی است بلکه تضمین‌کننده نقش جوانان در زیست جمعی جامعه در آینده است. در واقع اهمیت جامعه‌شناختی

مطالعات میان‌فرهنگی

این مسأله از آنجا ناشی می‌شود که شاید حساسیت پژوهش‌گران را نسبت به رابطه‌ی متقابل هویت‌های جمعی و اعتماد اجتماعی در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی کشور تحریک نماید. و موجب گردد تا آنان نیز در این زمینه دست به انجام پژوهش‌های تازه‌ای بزنند. اهمیت عملی و کاربردی این تحقیق نیز موجب می‌شود که به اعتماد اجتماعی و هویت توجه خاصی مبذول گردد. این پژوهش در جهت تبیین رابطه‌ی هویت‌های جمعی خُرد و میانی با اعتماد اجتماعی در بین جوانان شهر دوشنبه تکوین می‌یابد و در پی پاسخ به این سؤال است که میزان تعلق خاطر جوانان به هویت‌های میانی خُرد و اعتماد اجتماعی تا چه حد است؟

تحقیقات انجام شده در این زمینه را می‌توان به لحاظ موضوعی در دو مقوله دسته‌بندی نمود. دسته اول شامل تحقیقاتی است که یکی از متغیرهای هویت جمعی (خُرد_میانی) را محور اساسی کار خود قرار داده‌اند: (شمال‌اف ۲۰۱۱، قدوس‌اوف ۲۰۱۰، ترخینا تاتیانا ۲۰۰۹، قادرزاده ۱۳۸۹، شازی‌موف ۲۰۰۶، قاسمی ۱۳۸۳ و ۱۳۸۲، احمدلو و افروغ ۱۳۸۱، کرچلر و پستی ۲۰۰۳، گیایووف ۱۹۹۹، چلبی ۱۳۷۷، آخوندی ۱۳۷۷، رزازی‌فر ۱۳۷۶، سینیرلا ۱۹۹۷، عبدالهی ۱۳۷۴، کستلز و همکاران ۱۹۹۲)

دسته دوم: تحقیقاتی هستند که هرکدام از منظری خاص به موضوع اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند: (سلیگمن آدام و فیوزر ۱۳۸۰، محسنی تبریزی و همکاران ۱۳۸۷، قریشی‌راد و صداقت ۱۳۸۸، حیدرآبادی ۱۳۸۷، پاکستون ۲۰۰۵، هاروی و همکاران ۲۰۰۹، عباس‌زاده ۱۳۸۳، اسکور ۱۹۹۶، ایوانز کارن و پنی ۱۹۹۶، لیبرگ ۱۹۹۵، جین جوی و آندِر ۱۹۹۵). همان‌طور که ملاحظه می‌شود تحقیقات پیشین صرفاً یک متغیر را بررسی کرده‌اند، پژوهش حاضر در نظر دارد رابطه دو متغیر را بررسی نماید تلاشی که موجب پر شدن این خلاء علمی خواهد شد.

مبانی نظری

هردر^۱ در قرن هیجدهم برای بیان هویت از واژه‌ی فولک که بیانگر روح قومی هویت‌های جمعی است، استفاده کرد (جهانگلو، ۱۳۸۳: ص ۲۲۰). اصطلاح هویت برای نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ در دو حوزه روان‌شناسی (فروید) و جامعه‌شناسی (ویلیام جیمز) و هربرت مید در مکتب کنش متقابل نمادین آغاز گردید. واژه هویت ریشه در زبان لاتین داشته و بر دو معنای اصلی (تشابه و تمایز) دلالت دارد (جنکینز، ۱۳۸۱: ۶-۵). هویت قومی؛ بخشی از کلیت خود شکل دهنده و به وجود آمده از ابعادی است که تداوم بین گذشته و آینده (مطلوب) را در ارتباط با قومیت‌اش به وجود می‌آورد (حاجیان، ۱۳۸۷: ۴۲۵). ایس کچ‌مور، هویت قومی را بر بنیاد شاخه‌های فرهنگی نظیر زبان، مذهب، آداب و رسوم و پیشینه‌ی تاریخی دانسته است (Cashmore, ۱۹۹۶: ۱۲۲). در واقع هویت قومی یکی از هویت‌های جمعی و عضوی از هویت ملی است که می‌توان آن را سنت فرهنگی و گونه‌ای از احساس هویت دانست که قوم را به عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگ‌تر مشخص می‌کند و اعضای هر گروه قومی را از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی از سایر اعضای جامعه خود متمایز می‌گرداند (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۶۶). به عقیده‌ی بارث «هویت-های قومی فرایندپذیر یا عملی هستند؛ و مقصود، بکارگیری‌شان در عمل است، نه تفکر و تعمق درباره‌ی آن‌ها». از نظر او همه‌ی هویت‌های اجتماعی بخشی از سپهر بزرگ‌تر تجربه هستند، که یکی از وجوه مهم آن جهان مادی علل و معلول‌هاست. (Barth, F, ۱۹۸۱: ۳).

گیدنز به پدیده‌ی هویت در جامعه جدید توجه کرده، و بین هویت شخصی و اجتماعی تفاوت قائل نشده است از این رو معتقد است که «هویت شخصی چون در جریان اجتماعی شدن ساخته می‌شود خود نوعی هویت اجتماعی است. از نظر او «هویت شخصی شکل دهنده مسیری است که آدمی باید آن را طی مدتی که «طول عمر» نامیده می‌شود از لابلای قرارگاه‌های نمادین تجدد، به پیماید. در جریان زندگی هر کسی دارای زندگی‌نامه‌ای است که بازتاب اطلاعات اجتماعی و روان‌شناختی موجود درباره‌ی شیوه‌های ممکن زندگی اوست، بنابراین ما فقط دارای این زندگی‌نامه نیستیم بلکه بر حسب آن زندگی می‌کنیم

۱ - Heder

مطالعات میان‌فرهنگی

(گیدنز، ۱۳۸۳: ۳۲). از نظر او هویت به معنای تداوم فرد در زمان و مکان است و هویت فردی نیز بازتاب تغییری است که شخص از آن به عمل آورده است. به عقیده گیدنز؛ هویت امری ساخته شده است و ساخته شدنش پایانی ندارد، چون فرد مدام دانش و اطلاعات خویش را در راه تعریف و نظم دادن دوباره به فعالیت‌ها و چگونگی بازنمایی این هویت در جهان صرف می‌کند و به همین دلیل هویت حالت بازتابی دارد و در نتیجه، ایستا نیست. این تلقی به هویت حالت دیالکتیکی می‌دهد. هویت فزاینده پاسخگویی آگاهانه هر فرد یا قوم یا ملت به پرسش‌هایی از خود است، از گذشته خود، که بوده، کجا بوده، چه بوده، و در نهایت چه هست. به عبارت دیگر متعلق به کدام قوم، ملت و نژاد است، خاستگاه اصلی و دایمی‌اش کجاست، چه فرهنگ و تمدنی و چه نقشی در جهان داشته و دارد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۱-۸۲). از نظر گیدنز مسأله‌ی هویت همیشه مطرح بوده است، چه در دوران پیشامدرن که تأکید بر سنت بوده و چه در دوران مدرن که تأکید بر تحول است و چه در دوران پسامدرن که بر تمایز تأکید می‌شود. بنیادین هویت‌های اجتماعی در دوران پیشامدرن بسیار با ثبات بود زیرا به یک رشته رسوم و نهادهای معین و مشخص مانند خانواده، شغل و غیره وابسته می‌شد (رهبری، ۱۳۸۸: ۷۰-۶۹). انسان جامعه مدرن به علت مواجهه با دستیابی رمزآمیز از نهادهای فوق‌الذکر که به شدت تخصصی و پیچیده شده، مجبور است مرتب دست به خطر بزند. تا کنش اجتماعی او شکل بگیرد، اما برای برقراری کنش و مشارکت اجتماعی نیازمند اعتماد است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۸۰). اعتماد اجتماعی^۱ در فرایند روابط اجتماعی و در متن کنش‌های انسانی نمود پیدا می‌کند. به تعبیر کلمن، اعتماد قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند (کلمن: ۱۳۷۷، ۲۹۷). گیدنز اعتماد^۲ را به اطمینان یا اتکاء به نوعی کیفیت یا صفت یک شخص، یک چیز یا اطمینان به حقیقت یک گفته توصیف می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴۲). در بیان روشن‌تر، می‌توان اعتماد را یک باور تعریف کرد. از آن‌جا که اعتماد، سطح اطمینان و عواطف مشترک در یک رابطه اجتماعی است، معیار انسجام، پیوستگی و اتحاد میان افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی یک جامعه است.

۱ - Social Trust

۲ - trust

از نظر گیدنز منابع اصلی اعتماد در جوامع سنتی، اهمیت خود را در جوامع مدرن از دست داده‌اند. گذار جوامع از سنت به مدرنیته، منجر به دگرگونی خاصیت اعتماد شده است، از آنجائی که در جوامع سنتی سطح فاصله‌گیری زمانی - مکانی پائین بود (یعنی کنش‌های اجتماعی چهره به چهره بود) اعتماد از طریق برخورد مستقیم با دیگران حفظ می‌شد. محیط‌های اعتماد در جوامع خویشاوندی، اجتماع محلی و سنت بودند. اما با پیدایش جامعه مدرن این محیط‌ها به نحوی اساسی دگرگون شده‌اند، چراکه ساختار اساسی نظام سرمایه‌داری، مرکب از چندین نظام انتزاعی است که لازمه عملکرد و کارائی آن‌ها اعتماد عاملان است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۴). به اعتقاد گیدنز، هویت‌های خرد از قبیل (قومی - قبیله‌ای) با نوع خاصی از اعتماد که اعتماد بین شخصی باشد ارتباط دارد، بر اساس فرض گیدنز، فرضیه‌ی ما نیز بر همین مبناء تدوین گردیده و می‌خواهیم مدعی شویم که هویت‌های قومی - قبیله‌ای جوانان با اعتماد رابطه دارد. نخستین زمینه‌ی محلی اعتماد، نظام خویشاوندی است که در بیش‌تر محیط‌های پیش از مدرن شیوه‌ای به نسبت ثابت سازماندهی «رشته‌های» روابط اجتماعی را در راستای زمان و مکان فراهم می‌سازد. وابستگی‌های خویشاوندی غالباً کانون تنش و کشمکش‌اند. اما با همه‌ی این کشمکش‌های اضطراب برانگیز نظام خویشاوندی عموماً همان پیوندهایی‌اند که در تنظیم کنش‌ها در حوزه‌های زمانی - مکانی می‌توان به آن‌ها اتکا کرد. بنابراین خویشاوندی شبکه‌ای از پیوندهای اجتماعی اعتماد‌پذیر را فراهم می‌سازد که اصولاً و غالباً در عمل، وسیله‌ی سازماندهی روابط اعتماد را به دست می‌دهد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۱ - ۱۲۰). به نظر گیدنز «شرط اساسی تدارک هویت شخصی، استقرار اعتماد بنیادی است، هویت شخص را نمی‌توان برحسب ماندگاریش در زمان مورد توجه قرار داد بلکه هویت بر خلاف خود به عنوان پدیده‌ای عام مستلزم آگاهی بازتابی است، هویت همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۱). از نظر او «در محیط‌های پیش از مدرن اعتماد بنیادی در روابط شخصی و در اجتماع پیوندهای خانوادگی و دوستی‌ها جای دارد، در حالی که اعتماد در جوامع مدرن بر اثر توسعه نظام‌های انتزاعی، اعتماد به اصول غیرشخصی و نیز اعتماد به دیگران ناشناس برای زندگی اجتماعی گریزناپذیر تبدیل می‌شود» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۴۳ - ۱۴۲). طبق رهیافت گیدنز با گذار جامعه

مطالعات میان‌فرهنگی

از سنتی به مدرن با توجه به شرایط زمانی و مکانی، علاوه بر تغییر در نوع هویت‌ها، سطح اعتماد نیز تحول می‌پذیرد، از اعتماد بین شخصی به اعتماد عام (دیگران) گسترش می‌یابد. فرض ما نیز بر همین مبناء تدوین گردیده، آن‌جا که مدعی هستیم چنان‌چه هویت افراد در سطح ملی باشد، اعتماد آنان هم عمومی است.

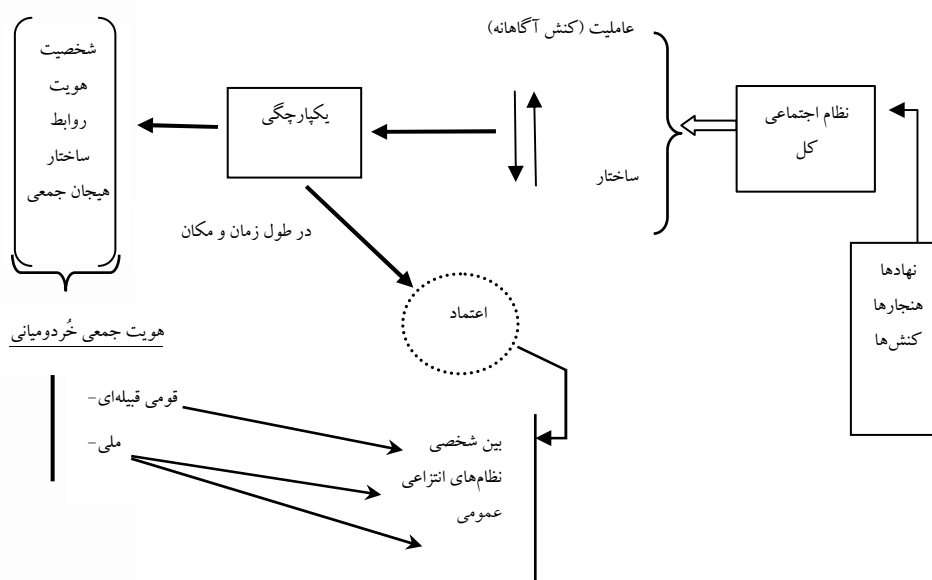
از نظر وی «ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی است. در شرایط مدرنیت، آینده همیشه باز است، نه تنها به اقتضای احتمال عادی امور بلکه بر وفق بازان‌دیشی دانش که در ارتباط با آن، عملکردهای اجتماعی سازمان داده می‌شوند. این خصلت ضد واقعی و آینده‌گرایانه مدرنیت بیش‌تر از طریق اعتماد به نظام‌های انتزاعی شکل می‌گیرد.» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۹). فرد از میان گزینه‌هایی که نظام انتزاعی فراهم می‌کند باید هویتش را پیدا کند (همان: ۱۴۸). در جهان جدید دایره انتخاب افراد بسیار وسیع شده است و به همین دلیل هویت‌های متفاوتی وجود دارد. هر چه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد به جامعه سنتی نزدیک‌تر باشد شیوه زندگی او بیش‌تر با هسته واقعی هویت شخصی‌اش سر و کار دارد اما در دنیای متجدد کنونی با امکانات گوناگون برای انتخاب سبک زندگی، برنامه‌ریزی‌های استراتژیکی برای زندگی کردن وجود دارد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۵ - ۱۲۰). (۸) با این پشتوانه نظری، فرض ما این‌است؛ جوانانی که به هویت ملی تعلق خاطر بیش‌تری دارند اعتماد آنان به نظام انتزاعی بیش‌تر، هم‌چنین اعتماد عمومی در بین آنها بیش‌تر است.

به نظر گیدنز رابطه بین فاعلیت و ساخت؛ رابطه‌ای دو طرفه است. از این‌رو ساخت اجتماعی هم وسیله و هم برابند اعمالی است که نظام اجتماعی را می‌سازد. در نظریه ساخت‌یابی، جهان یک کل واحد است که نهادها، هنجارها و کنش‌ها در آن دائماً شرایط و موقعیت‌های نامنظم و تصادفی را به‌وجود می‌آورند (گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۸). به‌طور کلی در نظریه گیدنز نظام اجتماعی شامل: نهادها، هنجارها و کنش‌هاست. که این نظام اجتماعی در تعامل عاملیت و ساختار منجر به یکپارچگی و انسجام می‌گردد، در این نظریه یکپارچگی در شاخص‌های شخصیت، هویت، روابط ساختار و هیجان‌ات جمعی است که در طول

زمان و مکان به اعتماد می‌انجامد. اعتماد هم شامل؛ اعتماد به افراد خاص، اعتماد عمومی و اعتماد به نظام‌های انتزاعی است. از سوی دیگر، با شکل‌گیری نظام شخصیتی افراد، هویت جمعی در معنای عام آن در بین کنش‌گران ایجاد می‌گردد، در این تحقیق هویت‌های جمعی خرد و میانی شامل؛ قومی‌قبیله‌ای و ملی است که با توجه به شرایط زمانی و مکانی می‌تواند بر اعتماد تأثیر گذار باشند. در جمع بندی کلی از تعاریف و مباحث نظری چنین استنباط می‌شود که فرد در جریان روابط دیالکتیک با هم‌نوعان به هویت دست پیدا می‌کند از این‌رو عاطفه و وابستگی سبب حس تعلق اجتماعی بیش‌تر می‌شود. اعتماد اساس ارتباط عاطفی و تعلق اجتماعی بین مردم است، با گسترش فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به نظام‌های انتزاعی است که فرد از سطح اعتماد شخصی به تعمیم یافته دست پیدا می‌کند، عدم اعتماد به نظام انتزاعی، موجب کاهش حس تعلق اجتماعی شده و بر جامعه و ساختار آن تأثیر می‌رساند. بنابراین همان‌گونه در مفاهیم و تئوری‌ها مطرح شد نظریه پردازان در بررسی و تحلیل‌ها، سطح مطالعه خود را بر ساخت/ کنش اجتماعی متمرکز ساخته‌اند. در این تحقیق نیز تئوری ساختاربندی^۱ گیدنز (ساختار- عاملیت) به خاطر جامعیت بیش‌تر در تبیین رابطه بین اعتماد اجتماعی و هویت جمعی (خرد و میانی)، به‌عنوان مدل و چارچوب نظری مورد استفاده قرار گرفته است.

۱ - Structuration Theory

مدل تحلیلی تحقیق



فرضیه‌های تحقیق:

- فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد هویت‌های جمعی خرد و میانی بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی مؤثراند.
- فرضیه فرعی ۱: به نظر می‌رسد جوانانی که به هویت ملی (میانی) تعلق خاطر بیشتری دارند، اعتماد آنها به نظام‌های انتزاعی بیشتر است.
- فرضیه فرعی ۲: به نظر می‌رسد جوانانی که به هویت قومی - قبیله‌ای (خرد) تعلق خاطر بیشتری دارند، اعتماد آنها از نوع اعتماد بین شخصی است.
- فرضیه فرعی ۳: به نظر می‌رسد جوانانی که به هویت ملی تعلق خاطر بیشتری دارند، اعتماد عمومی در بین آنها بیشتر است.

متغیرهای تحقیق

هویت جمعی شناسه‌ی آن قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر «ما» خود را بدان متعلق می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف کند. این هویت‌های جمعی را می‌توان در سطح ترتیبی، از کوچک و خاص به بزرگ و عام، مثلاً از هم‌فامیلی، هم‌طایفه یا هم‌محله، هم‌روستا، هم‌قوم، هم‌زبان، هم‌مذهب، هم‌وطن و هم‌نوع دسته بندی کرد (عبداللهی، ۱۳۷۶: ۶۳). در این مقاله هویت جمعی در سطح خرد با شاخص هویت قومی - قبیله ای و در سطح میانی با شاخص هویت ملی سنجیده می‌شود.

هویت قومی - قبیله‌ای: احساس تعلق و دلبستگی به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع قومی است (قاسمی، ۱۳۸۲: ۱۱۱). به منظور عملیاتی کردن این متغیر؛ پنج گویه در سطح مقیاس رتبه‌ای طراحی گردیده است.

هویت ملی: احساس همبستگی با کل اعضای ساکن در یک چارچوب سرزمینی مشترک است، به طوری که نسبت به موجودیت کل آن آگاهی و به آن احساس وفاداری دارند (معینی علمداری، ۱۳۸۳: ۳۶). به منظور عملیاتی کردن این متغیر؛ ۸ گویه در سطح مقیاس رتبه‌ای طراحی گردیده است.

اعتماد اجتماعی: انتظاری است که از یک جامعه برخوردار از رفتار منظم، دارای روابط صادقانه و مبتنی بر تعاون برمی‌خیزد (روشن‌فکر و ذکایی، ۱۳۸۵: ۹). برای سنجش عملیاتی این متغیر، از ترکیب شاخص‌های اعتماد بین شخصی، اعتماد عمومی و اعتماد نهادی، شامل ۲۸ گویه و با مقیاس رتبه‌ای سنجیده شده است.

روش تحقیق

در این مقاله از روش پیمایش اجتماعی استفاده شده است. هویت‌های خرد و میانی متغیر مستقل و اعتماد اجتماعی متغیر وابسته می‌باشد. جامعه‌ی آماری این تحقیق جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر دوشنبه تشکیل می‌دهند. بنابه اطلاعات جمع‌آوری شده بر اساس آمارگیری سال ۲۰۱۰ مرکز آمار جمهوری تاجیکستان، جمعیت شهر دوشنبه ۷۲۴,۸۴۴ نفر و تعداد کل جوانان (دختر و پسر ۱۸ تا ۲۹ سال) شهر دوشنبه ۱۸۹,۰۴۱ نفر اعلام گردید که از این

مطالعات میان فرهنگی

تعداد، ۹۱۴۹۵ پسر و ۹۷۵۴۷ دختر در چهار ناحیه پراکنده شده‌اند. شیوه‌ی نمونه‌گیری، به صورت تصادفی، خوشه‌ای چند مرحله‌ای است که با استفاده از تقسیم‌بندی شهر دوشنبه به چهار ناحیه (خوشه) به تناسب جمعیت هر ناحیه صورت می‌گیرد. برای انتخاب حجم نمونه، با استفاده از فرمول کُکران تعداد ۳۸۳ نفر تعیین، که تعداد ۱۸۵ نفر پسر و ۱۹۸ نفر دختر بوده‌اند. جهت گردآوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است که در نهایت ۳۶۸ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای تعیین پایایی شاخص‌ها در دو مرحله مقدماتی و نهایی آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ها محاسبه گردید که میانگین پایایی یا اعتماد شاخص‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای سؤالات پرسشنامه برابر ۰٫۸۳، ۰٫۳۳ بدست آمده است. با توجه به این که آلفای کرونباخ بیش‌تر از ۰٫۷۰٪ برای هر کدام از مقیاس‌هاست نشانگر آن است که گویه‌ها از دقت بالایی برخوردارند. در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام می‌شود که بخش آمار توصیفی، شامل جداول و نمودارهای آماری و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است و بخش آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی پیرسن، آزمون تی (T-test)، آزمون F و آزمون‌های ناپارامتری (آزمون خی_دو) و تحلیل مدل رگرسیون چند متغیره می‌شود. در این تحقیق جهت سهولت پردازش و تجزیه تحلیل داده‌ها از کامپیوتر و نرم افزار آماری SPSS استفاده گردید.

یافته‌ها

جدول شماره (۱): توزیع میانگین گروه نمونه پژوهش بر حسب میزان اعتماد اجتماعی و هویت‌های خُرد و میانی

آزمون معناداری میانگین با مقدار مطلوب بزرگ‌تر از ۲		مقادیر شاخص‌های آماری				عامل
		انحراف معیار	میانگین	بیش‌ترین	کم‌ترین	
معناداری	آماره آزمون	۰٫۴۳۰۶۴	۲٫۶۸۸۴	۴	۱٫۳	اعتماد اجتماعی

هویت جمعی خرد و میانی

۰,۰۰۰	۴۴,۶۱۹	۰,۴۷۱۹۹	۳,۰۹۷۸	۴,۰۰	۱,۴۰	هویت ملی
۰,۰۰۰	۵۴,۶۷۰	۰,۳۳۰۸۷	۲,۹۴۲۹	۴,۷۵	۱,۷۵	هویت قومی - قبیله‌ای

همان‌گونه در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، میانگین اعتماد اجتماعی جوانان شهر دوشنبه ۲,۶۸۸۴ می‌باشد. که نشان می‌دهد اعتماد اجتماعی جوانان شهر دوشنبه متوسط به بالا است. برای بررسی این ادعا مقدار معناداری میانگین اعتماد اجتماعی ۰,۰۰۰ است که نشان می‌دهد این مقدار معناداری کم‌تر از خطای ۵ درصد است. به عبارتی میانگین اعتماد اجتماعی عددی بزرگ‌تر از ۲ است. هم‌چنین مشاهده می‌شود که هویت ملی با میانگین ۳/۰۹۷۸ و هویت قومی- قبیله‌ای با میانگین ۲/۹۴۲۹ می‌باشد. به عبارتی هویت قومی- قبیله‌ای از نظر جوانان در حد پائینی قرار دارد.

آزمون فرضیات

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بین هویت های خرد و میانی با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۲): نتایج رابطه بین هویت جمعی خرد و میانی با اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی	ضریب همبستگی کندال	معناداری ضریب همبستگی
هویت‌های خرد و میانی	۰,۱۲۳	۰,۰۰۱

همان‌طوری که در شکل (۲) مشاهده می‌شود رابطه بین هویت جمعی و اعتماد اجتماعی برابر با ۰,۱۲۳ و معنادار (۰,۰۰۱) در سطح خطای ۵ درصد است (با توجه به دو دامنه بودن آزمون با ۰/۰۲۵ مقایسه می‌شود) که نشان می‌دهد بین هویت جمعی و اعتماد اجتماعی

مطالعات میان فرهنگی

یک رابطه مثبت و مستقیم و معنی داری وجود دارد. یعنی از یک سو تعلق خاطر به هویت جمعی؛ باعث تقویت اعتماد اجتماعی می شود و از سوی دیگر با افزایش و تقویت اعتماد اجتماعی تعلق خاطر به هویت های جمعی نیز تقویت می شود.

فرضیه فرعی ۱: به نظر می رسد جوانانی که به هویت ملی تعلق خاطر بیش تری دارند، اعتماد آنها به نظام های انتزاعی بیش تر است.

جدول شماره (۳): نتایج رابطه بین هویت جمعی میانی و اعتماد به نظام های انتزاعی

اعتماد به نظام های انتزاعی	ضریب همبستگی کندال	معناداری ضریب همبستگی
هویت ملی	۰,۱۱۳	۰,۰۰۳

همان طوری که در جدول شماره (۳) مشاهده می شود ضریب همبستگی بین هویت ملی و اعتماد به نظام های انتزاعی برابر با ۰,۱۱۳ و معنادار (۰,۰۰۳) در سطح خطای ۵ درصد است (با توجه به دو دامنه بودن آزمون با ۰/۰۲۵ مقایسه می شود) که نشان می دهد بین هویت ملی و اعتماد به نظام های انتزاعی یک رابطه مثبت و مستقیم و معنی داری وجود دارد. از آنجائی که میزان وابستگی بین هویت ملی و اعتماد به نظام های انتزاعی مثبت است نشان می دهد که هرچه جوانان به هویت ملی تعلق خاطر بیش تری دارند، اعتماد آنها به نظام های انتزاعی بیش تر است.

فرضیه فرعی ۲: به نظر می رسد جوانانی که به هویت قومی-قبیله ای تعلق خاطر بیش تری دارند، اعتماد آنها از نوع اعتماد بین شخصی است.

برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی کندال استفاده می شود که نتایج آن در جدول شماره (۴) آورده شده است.

هویت جمعی خرد و میانی

جدول شماره (۴): نتایج رابطه بین هویت قومی-قبیله‌ای و اعتماد بین شخصی

اعتماد بین شخصی	ضریب همبستگی کندال	معناداری ضریب همبستگی
هویت قومی-قبیله‌ای	۰,۰۹۸	۰,۰۱۱

همان‌طوری که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین هویت قومی-قبیله‌ای و اعتماد بین شخصی برابر با ۰,۰۹۸ و معنادار (۰,۰۱۱) در سطح خطای ۵ درصد است (با توجه به دو دامنه بودن آزمون با ۰/۰۲۵ مقایسه می‌شود) که نشان می‌دهد بین هویت قومی-قبیله‌ای و اعتماد بین شخصی یک رابطه مثبت و مستقیم و معنی داری وجود دارد. از آنجائی که میزان وابستگی مثبت است در نتیجه می‌توان ادعا نمود که هر چه جوانان به هویت قومی - قبیله‌ای تعلق خاطر بیش‌تری دارند، اعتماد بین شخصی در بین آنان بیش‌تر است.

فرضیه فرعی ۳: به نظر می‌رسد جوانانی که به هویت ملی تعلق خاطر بیش‌تری دارند، اعتماد عمومی در بین آنها بیش‌تر است.

برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی کندال استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول شماره (۵) آورده شده است.

جدول شماره (۵): نتایج رابطه بین هویت ملی و اعتماد عمومی

اعتماد عمومی	ضریب همبستگی کندال	معناداری ضریب همبستگی
هویت ملی	۰,۰۷۹	۰,۰۱۹

همان‌طوری که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود رابطه بین هویت ملی و اعتماد عمومی برابر با ۰,۰۷۹ و معنادار (۰,۰۱۹) در سطح خطای ۵ درصد است (با توجه به دو دامنه بودن آزمون با ۰/۰۲۵ مقایسه می‌شود) که نشان می‌دهد بین هویت ملی و اعتماد

مطالعات میان فرهنگی

عمومی یک رابطه معنی داری وجود دارد. در نتیجه می توان ادعا نمود که هر چه جوانان به هویت ملی تعلق خاطر بیش تری دارند، اعتماد عمومی در بین آنان بیش تر است.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون ضریب تعیین مدل رگرسیونی هویت های جمعی بر شکل گیری اعتماد اجتماعی

شاخص ها	میزان همبستگی (R)	ضریب تعیین (R^2)	آماره آزمون (F)	معناداری آزمون
یافته ها	۰,۷۶۹	۰,۵۹۱	۸,۹۲۹	۰,۰۰۰

همان گونه که در جدول شماره (۶) مشاهده می شود، ضریب تعیین مدل رگرسیونی ارائه شده ۵۹,۱ درصد می باشد که نشان می دهد که هویت های جمعی میانی و خرد ۵۹,۱ درصد اعتماد اجتماعی جوانان را توضیح می دهد. به عبارتی هویت های میانی و خرد ۵۹,۱ درصد اطلاعات درباره اعتماد اجتماعی را نتیجه می دهد. آماره آزمون ضریب تعیین دارای میزان معناداری ۰,۰۰۰ است که در مقایسه با خطای ۵ درصد کم تر است. معنای آن این است که ۴۱/۹ درصد یا ۴۹۱ هزارم باقیمانده سهم مؤلفه های دیگری است که در داخل مدل وجود ندارد و خارج از مدل اثرگذار بوده است.

جدول شماره (۷) نتایج آزمون معناداری همزمان ضرایب مدل رگرسیونی رابطه هویت های میانی و خرد با اعتماد اجتماعی را که از طریق تحلیل واریانس انجام می شود نشان می دهد.

جدول شماره (۷): نتایج آزمون معناداری ضرایب مدل رگرسیونی رابطه هویت‌های میانی و خرد با اعتماد اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع توان دوم	درجه آزادی	میانگین توان دوم	آماره آزمون (F)	معناداری
رگرسیونی	۶,۰۹۷	۴	۱,۵۲۴	۸,۹۲۹	۰,۰۰۰
خطاها	۶۱,۹۶۵	۳۶۳	۰,۱۷۱		
کل	۶۸,۰۶۲	۳۶۷	---	---	---

همان‌گونه که در جدول شماره (۷) مشاهده می‌شود، هم‌زمان برآورد ضرایب مدل رگرسیونی ارائه شده برابر با صفر نیست، به عبارتی نشان می‌دهد مدل رگرسیونی مناسب است. زیرا مقدار معناداری (۰,۰۰۰) آن کم‌تر از خطای ۵ درصد است.

جدول شماره (۸) نتایج آزمون معناداری تک تک ضرایب مدل رگرسیونی رابطه هویت‌های جمعی (میانی و خرد) با اعتماد اجتماعی که از طریق آزمون T انجام می‌شود نشان می‌دهد.

جدول شماره (۸): نتایج آزمون معناداری تک تک ضرایب مدل رگرسیونی رابطه هویت‌های میانی و خرد با اعتماد اجتماعی

هویت‌های جمعی (خرد و میانی)	ضرایب	انحراف معیار ضرایب	آماره آزمون (T)	معناداری
عرض از مبدا (ثابت)	۱,۵۴۲	۰,۲۴۵	۶,۲۹۶	۰,۰۰۰
هویت قومی قبیله‌ای (X _۱)	۰,۲۳۶	۰,۰۴۸	۴,۸۹۸	۰,۰۰۰
هویت ملی (X _۲)	۰,۲۵۷	۰,۰۶۲	۲,۸۴۷	۰,۰۰۳

جدول شماره (۸) نشان می‌دهد که برآورد ضرایب تک تک مدل رگرسیونی ارائه شده برابر با صفر نیست. به عبارتی نشان می‌دهد مدل رگرسیونی مناسب است. زیرا مقدار

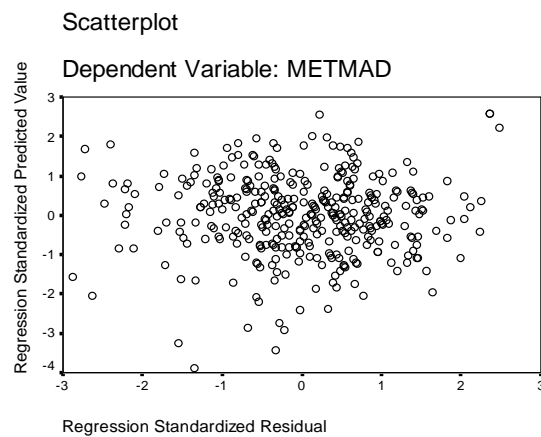
مطالعات میان فرهنگی

معناداری (۰,۰۰۰) آن‌ها کم‌تر از خطای ۵ درصد است. مدل رگرسیونی ارائه شده به صورت زیر حاصل می‌شود:

$$Y = ۱.۵۴۲ + ۰.۲۳۶ X_۱ + ۰.۲۳۴ X_۲ + ۰.۲۵۷ X_۳ + ۰.۲۴۳ X_۴$$

که در آن Y اعتماد اجتماعی است. مدل رگرسیونی هویت‌های جمعی (میانی و خُرد) با اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که علامت کلیه ضرایب مثبت است. به عبارتی هویت‌های میانی و خُرد رابطه‌ی مثبت و مستقیمی روی اعتماد اجتماعی جوانان دارند. یعنی با افزایش میزان هویت‌های میانی و خُرد میزان اعتماد اجتماعی جوانان بیش‌تر می‌شود. شکل (۱) نمودار پراکنش مقادیر خطاهای برازش شده را در مقابل مقادیر پیش‌بینی بدست آمده از مدل رگرسیونی هویت‌های جمعی (میانی و خُرد) با اعتماد اجتماعی را نشان می‌دهد.

شکل شماره (۱): مقادیر خطاهای برازش شده مقابل مقادیر پیش‌بینی مدل رگرسیونی رابطه‌ی هویت‌های جمعی با اعتماد اجتماعی



شکل شماره (۱) نشان می‌دهد از آنجائی که تراکم مشاهدات در نمودار به صورت یک ابر دایره‌ای شکل می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی هویت‌های میانی و خُرد با اعتماد اجتماعی مدل مناسب و با اعتبار بالایی است.

نتیجه گیری و پیشنهادها

در این مقاله، به بررسی رابطه بین هویت جمعی میانی و خرد (قومی-قبیله‌ای و ملی) با اعتماد اجتماعی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله (دختر و پسر) شهر دوشنبه پرداخته شد. رویکرد نظری گیدنز به‌عنوان نظریه‌ی غالب جهت بررسی رابطه‌ی مذکور مورد استفاده قرار گرفت. میانگین اعتماد اجتماعی جوانان شهر دوشنبه ۲/۶۸۸۴ می‌باشد. که نشان می‌دهد اعتماد اجتماعی جوانان شهر دوشنبه متوسط به بالا است. یافته‌ها نشان داد که بین هویت جمعی (میانی و خرد) با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. به‌همین ترتیب میانگین هویت قومی قبیله‌ای با میانگین ۲,۹۴۲۹ و میانگین هویت ملی با مقدار ۳,۰۹۷۸ می‌باشد. در واقع نشان از پائین بودن هویت قومی - قبیله‌ای از نظر جوانان شهر دوشنبه است. به عبارت دیگر در سطح خرد (قومی - قبیله‌ای) آسیب نسبت به دیگر سطوح برجسته‌تر است.

نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد، جوانانی که به هویت ملی (میانی) تعلق خاطر بیش‌تری دارند، اعتماد آن‌ها به نظام‌های انتزاعی بیش‌تر است، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد، بین هویت ملی و اعتماد به نظام‌های انتزاعی یک رابطه مثبت و مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. از آنجائی‌که میزان وابستگی بین هویت ملی و اعتماد به نظام‌های انتزاعی مثبت است، نشان می‌دهد که هر چه جوانان به هویت ملی تعلق خاطر بیش‌تری داشته باشند، اعتماد آن‌ها به نظام‌های انتزاعی بیش‌تر است. به عبارت دیگر با افزایش احساس تعلق خاطر فرد به اجتماعات بزرگ‌تر از قبیله سرزمین، زبان و ... که فرد خود را بدان‌ها وابسته می‌داند میزان اعتماد اجتماعی (به دیگران ناشناس) نیز افزایش می‌یابد. به بیان روشن‌تر، افزایش تعلق خاطر به هویت ملی باعث می‌شود که جوانان به نهادهای اجتماعی نیز اعتماد بیش‌تری پیدا کنند. نهادهایی که کارکردشان به احتمال زیاد تقویت انسجام اجتماعی در نظام اجتماعی یعنی همان هویت ملی است. بنابراین نظریه گیدنز بر رابطه دو متغیر هویت ملی و اعتماد انتزاعی صحنه گذاشته است، هرگاه هویت در سطح ملی باشد اعتماد از نوع انتزاعی است.

هویت قومی (یا هویت محلی) تعریف خود به‌عنوان عضو گروه قومی و احساس تعلق، وابستگی و تعهد به اجتماع و خرده فرهنگ قومی است. و منظور از تعهد در اینجا،

مطالعات میان‌فرهنگی

مشارکت و فعالیت در جهت پی‌گیری مسائل قومی و تعهد به اهداف جمعی گروه قومی است. فرض ما این‌ست که، جوانانی که به هویت قومی - قبیله‌ای (خُرد) تعلق خاطر بیش‌تری دارند، اعتماد آنها از نوع اعتماد بین شخصی است. نتایج بدست آمده نشان از وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین دو متغیر است، به‌سخن دیگر، هر چه جوانان به هویت - های قومی - قبیله‌ای خود تعلق خاطر بیش‌تری داشته باشند، اعتماد بین شخصی در بین آنان بیش‌تر است. می‌دانیم که قوم و قبیله متشکل از گروهی با مناسبت‌های خویشاوندی است که دارای مشترکات زبانی، نسبی و خونی هستند درچنین گروه‌هایی این سه مؤلفه (زبان، نسب و خون) مستقیماً روابط بین فردی را در افراد قبیله تقویت می‌کنند و از این مجرا، اعتماد گروهی را در بین آنان تحکیم می‌بخشد.

در این وضعیت شخص احساس تعلق بالایی به اجتماع عشیره‌ای و قومی خود دارد که فرد به آن وابسته است. زیرا از زمان تولد به این نوع هویت آگاهی می‌یابد. با توجه به این‌که هویت هدف‌های مشترکی را برای اعضاء به‌همراه دارد می‌تواند در تحول اعتماد اجتماعی کنش‌گران تأثیر بالایی داشته باشد. مطابق نظر گیدنز می‌توان گفت در جامعه تاجیکستان منابع اعتماد همان منابع دوران قبل از مدرن است که از جمله آن‌ها می‌توان به نظام خویشاوندی، سنت و اجتماع محلی اشاره کرد که در جوامع سنتی نوعی اعتماد خاص گرایانه را به‌وجود می‌آورند که مستلزم روابط چهره به چهره است که لازم است افراد از همدیگر شناخت داشته باشند تا به هم اعتماد نمایند. این نتیجه با آن‌چه که در ادبیات پژوهش مطرح شد مطابقت دارد. همان‌گونه ذکر شد در جامعه مورد بررسی حاکمیت مناسبات قومی - قبیله‌ای موضوع اعتماد شخصی را تحت تأثیر قرار داده است.

در جوامع معاصر که زندگی جدید گسترده‌تر گردیده است و هویت‌های محلی و قومی جای خود را به هویت‌های ملی و حتی فراتر از آن داده‌اند و تفکیک نقش اجتماعی به شدت گسترش یافته است افراد نیازمند به گسترش دامنه‌ی اعتماد خود هستند و اعتماد خود را از سطح پیوند خانوادگی، خویشاوندی و محلی به کلیه شهروندان و حتی بیگانگان وسعت بخشند. فرض ما این‌ست که جوانانی که به هویت ملی (میانی) تعلق خاطر بیش‌تری دارند، اعتماد عمومی در بین آن‌ها بیش‌تر است. این سطح از هویت بین دو

سطوح دیگر (خرد- کلان) قرار می‌گیرد که از یک سو همان احساس تعلق و وابستگی به اجتماع قومی است که کنش‌گر تمایل فراوانی برای ارتباط و مشارکت با گروه قومی خود را دارد و از سوی دیگر در صدد ارتباط با جهان دور دست است، که با داشتن هدف‌های مشترک سطح تبادلات توسعه می‌یابد. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه‌ی معنی‌داری در بین هویت ملی و اعتماد عمومی وجود دارد. می‌توان ادعا نمود که هر چه جوانان به هویت ملی تعلق خاطر بیش‌تری دارند، اعتماد عمومی آنها بیش‌تر است. به سخن دیگر؛ هر دو متغیر فوق دارای خصیصه‌ی عمومی و اجتماعی هستند. از این رو با بهبود اعتماد عمومی، هویت ملی نیز بهبود می‌یابد، زیرا هویت ملی صفتی است که در همه‌ی افراد جامعه یافت می‌شود و هر کسی از جمله جوانان خواه ناخواه سهمی از آن را در شخصیت خود عجزین می‌کند. آمیختگی این صفت با شخصیت فرد، نوعی احساس تعلق و وفاداری به جمع پیرامون جامعه را هم بوجود می‌آورد این احساس تعلق و وفاداری زمینه شکل‌گیری همان اعتماد عمومی است.

در بررسی فرضیه اصلی پژوهش با عنوان؛ رابطه‌ی هویت‌های میانی و خرد با اعتماد اجتماعی جوانان، نتایج مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که علامت کلیه ضرایب مثبت است. به عبارتی، هویت‌های جمعی (میانی - خرد) رابطه‌ی مثبت و مستقیمی با اعتماد اجتماعی جوانان دارند. یعنی با افزایش میزان هویت‌های جمعی (میانی - خرد) اعتماد اجتماعی جوانان بیش‌تر می‌شود. در این پژوهش بین هویت‌های میانی و خرد با اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. نتیجه فرضیه حاضر با نظریه گیدنز که محور اصلی در این پژوهش است بیش‌ترین سازگاری را دارد، بر اساس آن نظام اجتماعی شامل: نهادها، هنجارها و کنش‌هاست. که این نظام اجتماعی در تعامل عاملیت و ساختار منجر به یکپارچگی و انسجام می‌گردد، در این نظریه یک‌پارچگی در شاخص‌های شخصیت، هویت، روابط ساختار و هیجانات جمعی است که در طول زمان و مکان به اعتماد می‌انجامد. اعتماد هم شامل؛ اعتماد به افراد خاص، اعتماد عمومی و اعتماد به نظام‌های انتزاعی است. از سوی دیگر، با شکل‌گیری نظام شخصیتی افراد، هویت‌های قومی- قبیله‌ای و ملی در معنای عام آن در بین کنش‌گران ایجاد می‌گردد، با عنایت به تعامل کنش‌گران و توجه به اهدافی که آنان در

مطالعات میان فرهنگی

زندگی دارند پیوندهای عقلانی بین آنان برقرار و از خلال این پیوندها به اهداف مورد نظرشان می‌رسند که در نهایت منجر به شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در جامعه می‌گردد. هم‌چنین هویت‌های جمعی میانی و خرد، همان‌طور که در این پژوهش حاصل شد با اعتماد اجتماعی جوانان رابطه‌ی معنادار بالائی دارد. بنابراین با بررسی تجربی فرضیه‌های این پژوهش که برگرفته از مدل نظری گیدنز است در سطح معناداری بالائی تأیید گردید، که نشان دهنده‌ی اعتبار نظریه ساختار- عاملیت گیدنز است. بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود: از آنجا که اعتماد یکی از شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی است، بنابراین بررسی رابطه سرمایه اجتماعی در جامعه تاجیکستان با ابعاد گوناگون در سطوح مختلف احساس می‌گردد.

منابع:

۱. تونکس، فرانک، (۱۳۸۷)، اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه محمد تقی دلفروز، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران
۲. جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، نشر شیرازه، تهران.
۳. جهانبگلو، رامین، (۱۳۸۳)، میزگرد روشنفکران ایرانی و هویت (۱)، فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۲، تهران.
۴. حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۷)، نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۹، شماره ۳ و ۴.
۵. روشنفکر، پیام و ذکایی محمدسعید، (۱۳۸۵)، جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه، فصلنامه رفاه اجتماعی، زمستان ۱۳۸۵، دوره ۶، شماره ۲۳.
۶. رهبری، مهدی، (۱۳۸۸)، معرفت و قدرت (معمای هویت)، انتشارات کویر، چاپ اول، تهران
۷. زتومکا، پیوتر، (۱۳۸۷)، اعتماد: نظریه‌ی جامعه شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، نشر شیرازه، تهران.
۸. صالحی امیری سیدرضا، (۱۳۸۹)، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، چاپ دوم، تهران.
۹. عبدالهی، محمد، (۱۳۷۶)، هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران، تهران ، نامه انجمن جامعه شناسی ایران.
۱۰. قاسمی، یارمحمد، (۱۳۸۲)، هویت جمعی، وضعیت و فرایند تحول آن در ایلام- ایران، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۱۱. کلمن، جیمز، (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ اول، تهران.
۱۲. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۳)، تجدد و تخصص ، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید ، ترجمه ناصر موفقیان ، نشر نی، چاپ سوم، تهران.
۱۳. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، چاپ اول، تهران.
۱۴. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۴)، چشم اندازهای جهانی، محمدرضا جلائی پور، چاپ اول،

مطالعات میان‌فرهنگی

انتشارات طرح نو، تهران.

۱۵. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۹)، جهان رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی، ترجمه علی

اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، چاپ اول، انتشارات علم و ادب دانشگاه تهران.

۱۶. معینی علمداری، جهانگیر، (۱۳۸۳)، هویت، تاریخ و روایت در ایران، مجموعه مقالات

ایران (هویت، ملیت و قومیت)، مؤسسه مطالعات و تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران.

۱۷. میرزایی، حسینعلی، (۱۳۸۸)، رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و

عرب دانشگاه‌های دولتی ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۰، شماره ۳، تهران.

۱۸. Cashmore Ellis&banton. Michael p.۱۹۹۶, Dictionary of Race and Ethnic Relations Rultledge.

۱۹. Barth, F. Process and From in Social Life: Selected Essays of Fredrick Barth, Vol.۱, London, Rouldege and Kegan Paul, ۱۹۸۱, p.۳.

۲۰. Misztal, Barbara, ۱۹۹۹. Trust in Modern societies. Polity press, ۶۵ Bridge street comb Ridge CB۲۱ UR.UK.